

پیشگیری وضعی در سیاست جنایی اسلام

سید حسن علوی^۱

چکیده

مفهوم «پیشگیری» در سیاست جنایی شامل شیوه‌ها و تدابیر مختلفی است که برای جلوگیری از بزهکاری بکار می‌رود. در این نوع از پیشگیری نظام حاکم با استفاده از تدابیر واکنشی (کیفری) و کنشی (غیر کیفری) سعی در محدود کردن و مهار بزهکاری دارد. در پیشگیری کیفری، مجازات سهم حداکثری در جلوگیری از بزهکاری دارد. در مقابل آنچه امروزه از سوی دولت‌ها در موضوع پیشگیری از بزه مورد توجه قرار می‌گیرد استفاده حداقلی از ابزار کیفری و بکارگیری تدابیر پیشگیرانه غیر کیفری می‌باشد که از آن با عنوان «پیشگیری وضعی» یاد می‌شود. در این نوع پیشگیری محور اصلی تغییر در «وضعیت فرد» یا «محیط» است که از این طریق امکان ارتکاب بزه را غیرممکن یا دشوار نماید. در سیاست جنایی اسلام کیفر نقش فرعی داشته و در استفاده از روش‌های غیر کیفری تأکید شده است. در این مقاله سعی شده با روش توصیفی - تحلیلی در ضمن مطالعه مبانی سیاست جنایی اسلام به بررسی پیشگیری وضعی پرداخته شود.

کلید واژه‌ها: پیشگیری وضعی، پیشگیری غیر کیفری، سیاست جنایی، سیاست جنایی اسلام.

۱. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه نمایندگی خراسان

مقدمه

مقابله با بزه و پدیده مجرمانه از موضوعات مهم هر نظام کیفری از گذشته تا به امروز است. تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد مجازات و اقدامات تأمینی به-عنوان نخستین راهکار پیشگیری از جرم از سوی دولت‌ها اعمال می‌شده است. به-تدریج با توسعه حقوق کیفری و متنوع شدن آن در رشته‌های مورد نیاز، نوع رویکرد به جرم و بزهکار در سایه تفکرات جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی نیز تغییر پیدا کرد. بر اساس این تحولات این اندیشه ظهور و بروز پیدا کرد که در همه موارد، مقابله با پدیده مجرمانه از طریق مجازات و کیفر، روش مناسبی نبوده و حتی در برخی موارد نتیجه معکوس نیز می‌دهد. در ادامه جریان تحولات، دیدگاه جدیدی ظهور پیدا کرد مبنی بر اینکه برای مقابله با بزه باید شرایط و اوضاع و احوال اشخاص را نیز مد نظر داشت و با تغییر در آن، از ارتکاب بزه جلوگیری کرد. این رویکرد در سیاست جنایی با عنوان پیشگیری غیرکیفری مطرح شد. در سیاست-جنایی سعی شده در پاسخ به پدیده جنایی، از روش‌های متنوعی که در سایه ارتباط با سایر شعبه‌های حقوقی، مانند: (حقوق مدنی، حقوق اداری و حقوق انضباطی و انتظامی) ایجاد شده است، استفاده نماید. به بیان دیگر سیاست جنایی سعی دارد از این طریق، در روند کیفر زدایی گام بردارد و این هدف را تا جایی که امکان دارد در پیشگیری و مقابله با جرم از کیفر و مجازات مؤثر باشد مورد توجه قرار داده است. از جمله سیاست‌های جنایی در مقابله با جرم و بزهکاری، پیشگیری وضعی است. پیشگیری وضعی نخستین بار در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۷۰م توسط «اسکار نیومن» رواج یافت. وی بر این اعتقاد بود که بزه را می‌توان از طریق غیر-کیفر پیشگیری نمود) بعدها رونالد کلارک در سال ۱۹۹۲م پیشگیری وضعی و روش‌های آن را مطرح نمود. پیشگیری وضعی در پی آن است که از طریق کنترل محیط، فرصت و زمینه ارتکاب جرم را از بین ببرد.

سیاست جنایی اسلام نیز چنین است که تا زمانی که بازدارندگی بزهکار به-وسیله موعظه و راهنمایی، امکان داشته باشد، از کیفر و مجازات استفاده نمی‌شود. نمونه این رویکرد را می‌توان در آموزه‌هایی چون اعتقاد به معاد و همچنین نهاد امر

به معروف و نهی از منکر مشاهده کرد. در این مقاله سعی شده با مطالعه سیاست جنایی اسلام این نوع از پیشگیری مورد بررسی قرار گیرد.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- سیاست جنایی

در مورد سیاست جنایی تعاریف مختلفی ارائه شده که ماهیت همه آنها بازگشت به تعریف سیاست جنایی در مفهوم خاص و عام دارد. سیاست جنایی در مفهوم خاص مترادف با سیاست کیفری است. سیاست کیفری مجموعه روش‌هایی است که از طریق سیستم قضایی و انتظامی، برخورد کیفری با جرم صورت می‌گیرد. از ویژگی‌های چنین روشی؛ دولتی بودن آن، منحصر بودن عملکرد دولت در مورد محدوده بزه است و برخورد با انحراف از حیطه کاری دولت خارج است. در مورد سیاست جنایی در مفهوم مضیق نیز می‌توان به تعاریف زیر اشاره کرد:

فوتر باخ: «سیاست جنایی عبارت است از مجموعه روش‌های سرکوبگرانه‌ای که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد» (لازرژ، ۱۳۸۲: ۹).

دوندی یو دووابر: «سیاست جنایی، ابزار واکنش کیفری و سرکوبگر در مقابل جرم می‌باشد» (حسینی، ۱۳۷۶: ۱۵۳).

این نکته قابل توجه است که تعریف مضیق سیاست جنایی، ناشی از رویکرد سنتی با جرم مطرح شده است که نظام کیفری و انواع مجازات را در برخورد با بزه، لازم و کافی می‌دانست. سیاست کیفری در این معنا به برخورد حقوقی با پدیده-جنایی در چارچوب قوانین جزایی از طریق مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اکتفا کرده است.

سیاست جنایی در معنای عام: شامل کلیه اقداماتی می‌شود که در مقابل جرم و انحراف از سوی دولت و جامعه اتخاذ می‌شود. بنابراین، در سیاست جنایی به مفهوم موسع خود نوعی تقسیم کار به چشم می‌خورد بدین نحو که دولت موظف

به پاسخ‌دهی به بزه می‌باشد و جامعه (نهادهای اجتماعی) سعی در برخورد مناسب با انحراف‌های موجود در جامعه دارند. در این مورد می‌توان به تعریف دلماس مارتی اشاره کرد:

« سیاست جنایی : مجموعه روشهایی که هیات اجتماع با توسل و بکار بستن آنها پاسخ‌های مختلف به پدیده جنایی را سازمان می‌بخشد» (۶۹:۱۳۹۳)

با توجه به این تعریف می‌توان رویکردهای مختلف (نظری/عملی) را مترادف با سیاست جنایی دانست.

۲-۱- پیشگیری

پیشگیری در لغت به معنای: «جلوگیری، دفع، مانع شدن، جلوی وقوع چیزی را گرفتن و نیز اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از رخداد‌های بد و ناخواسته معنا کرده اند» (معین، ۱۳۸۴:۱۱۵)

پیشگیری در اصطلاح، با توجه به رویکرد ابتدایی مقابله با جرم که به‌وسیله مجازات در مقابل بزه واکنش نشان داده می‌شد، می‌توان گفت مقصود از پیشگیری «به‌کار بستن اقدامات و تدابیر کیفری برای جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط مجرم یا سایر افراد جامعه می‌باشد» (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۵:۱۱۹).

۱-۲-۱- پیشگیری در مفهوم مضیق

به مجموعه روش‌هایی اطلاق می‌شود که برای مهار بزه‌کار از دو طریق مورد استفاده قرار می‌گیرد:

۱. از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا.

۲. از طریق اعمال مدیریت نسبت به عوامل محیطی و فیزیکی، به‌جهت کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم (شاکری، ۱۳۸۲:۹)

ریمون گسن، در تعریف پیشگیری در مفهوم مضیق می‌گوید:

«پیشگیری، هر تدبیر سیاست جنایی است که هدف نهایی آن تحدید حدود امکان پیش‌آمد مجموعه اعمال جنایی از راه غیر ممکن ساختن، دشوارساختن یا کاهش دادن احتمال وقوع آنهاست بدون اینکه از تهدید کیفری یا اجرای آن استفاده شود» (۱۳۷۰:۱۳۳)

با توجه به تعاریفی که از مفهوم پیشگیری مضیق ارائه شده می‌توان گفت این مفهوم از پیشگیری دربرگیرنده تدابیر و اقدامات غیر کیفری (کنشی) با هدف مقابله با بزهکاری از طریق کاهش، یا از بین بردن علل جرم‌زا و نیز تأثیرگذاری بر فرصت‌های پیش‌جنایی به گونه‌ای که بتوان با استفاده از مبارزه کارهای کنشی (غیر کیفری) بر شخصیت افراد و موقعیت‌های پیش از ارتکاب جرم، تثیر گذاشت (نیاز پور، ۱۳۸۳: ۱۷۰).

۱-۲-۲- پیشگیری در مفهوم موسع

شامل تمامی اقدامات کیفری و غیر کیفری علیه جرم و کاهش بزهکاری می‌شود.

۱-۲-۳- پیشگیری در سیاست جنایی

دربردارنده شیوه‌های گوناگونی است که برای جلوگیری از بزهکاری بکار می‌رود. این شیوه‌ها از دیدگاه علمی (جرم‌شناختی) عبارتست: «از هر اقدام سیاست جنایی با هدف محدود ساختن امکان رویداد جنایی از راه ناممکن ساختن، دشوار کردن یا کاستن احتمال وقوع آن، بدون اینکه در این راه بر تهدید کیفری یا اجرای آن تکیه شود» (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۸: ۱۳۶). در این پیشگیری حکومت از تدابیر واکنشی و کنشی استفاده می‌کند و به کمک بازوهای (قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی) خود، با هدف محدود کردن و مهار بزهکاری یعنی همان پیشگیری از جرم

به اعمال آنها می‌پردازد و همچون سیاست‌های دیگر حکومت، نقش مردم در آن اهمیت فراوانی دارد (نوربها، ۱۳۷۸: ۱۱۰).

۲- اقسام پیشگیری

با توجه به اینکه در میان جرم‌شناسان مبانی مختلفی برای پیشگیری وجود دارد، لذا هر کدام به اقتضای مبنای خود روشی متفاوت برای پیشگیری از جرم ارائه داده‌اند و به ذکر آن می‌پردازیم.

۲-۱- پیشگیری کیفری

قدیمی‌ترین روش برای پیشگیری از جرم از جوامع ابتدایی تا به امروز، مقابله با جرم از طریق سرکوب‌گری و مجازات می‌باشد. در پیشگیری کیفری نظام کیفری برای حفظ امنیت و ارزش‌های جامعه از طریق مجازات و سرکوب‌گری پس از وقوع جرم اتفاق می‌افتد که به نوعی جلوگیری از وقوع دوباره جرم و کاهش نرخ جرم می‌باشد.

پیشگیری کیفری بر اساس اثری که بر جامعه و یا فرد بزهکار می‌گذارد به پیشگیری کیفری-عام و پیشگیری و باز دارندگی-خاص، تقسیم می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۸۵).

۲-۱-۱- پیشگیری عام

به این معنا است که اجرای مجازات در مورد مجرمین باعث ترس سایرین از ارتکاب جرم از سوی آنان می‌گردد (آقایی، ۱۳۸۱: ۱۶۳). در این رویکرد از اعمال مجازات این هدف نهفته است که در دیگران ایجاد ترس و هراس نموده و مانع از ارتکاب جرم توسط دیگران شود.

۲-۱-۲- پیشگیری خاص

به معنای استفاده از اقدامات کیفری و درمانی مشخص شده شخصی برای جلوگیری از تکرار جرم توسط خود مجرم می‌باشد. هدف عمده پیشگیری خاص، جلوگیری از تکرار جرم است. اقداماتی که پس از جرم نسبت به بزهکار اعمال می‌شود جنبه اخلاقی و اصلاحی دارد، از همین‌رو، فردی یا شخصی کردن مجازات و شیوه‌ها و سازوکارهای آن در جهت تقویت کارایی، رسالت بازپرورانه ضمانت اجراهای کیفری است که امروزه به صورت یک اصل در قوانین کیفری به صراحت پیش‌بینی شده است (همان، ۱۳۸۳: ۵۸۹).

۲-۲- پیشگیری غیر کیفری

پیشگیری غیر کیفری (کنشی)، تدابیر و شیوه‌های گوناگونی است که برای جلوگیری از بزهکاری در بیرون از نظام کیفری بکار می‌روند. این نوع پیشگیری شامل آن دسته از تدابیر و اقدامات غیر کیفری است که پیش از ارتکاب جرم از طریق مداخله در اوضاع و احوال پیش‌جنایی و فرایند شکل‌گیری افراد به دنبال جلوگیری از وقوع بزهکاری می‌باشد (زرگری، ۱۳۹۰: ۷۵). در این روش سعی می‌شود با کنترل عوامل اجتماعی مؤثر مانند: شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از ارتکاب جرم در آینده جلوگیری و فرصت‌هایی که زمینه جرم‌زایی دارند کاهش یابد. به طور کلی متداول‌ترین تقسیم‌بندی پیشگیری غیر کیفری عبارتست از: پیشگیری اجتماعی، پیشگیری وضعی.

۲-۲-۱- پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی شامل آن دسته از تدابیر و اقداماتی می‌شود که با مداخله در فرایند رشد، بهبود شرایط زندگی آنها و سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط طبیعی به دنبال حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری است (نیاز پور، ۱۳۸۳: ۱۲۷). در رویکرد پیشگیری اجتماعی سعی شده با تقویت امور

اثرگذار بر گروهایی که در آستانه خطر و بزه قرار دارند به اجتماعی کردن آنها کمک کند.

رویکرد معاصر سیاست جنایی بر این اندیشه تمایل دارد که با بهبود شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و وضعی زمینه را برای پیشگیری اجتماعی فراهم کند و از مداخله نظام کیفری در حد امکان خود داری شود. به طور کلی پیشگیری- اجتماعی به دو نوع تقسیم می شود: پیشگیری اجتماعی مدار، پیشگیری رشد مدار

۲-۲-۱-۱- پیشگیری جامعه مدار

پیشگیری جامعه مدار قدیمی ترین و رایج ترین شکل پیشگیری غیر کیفری بوده و مکتب تحقیقی نیز بر آن تأکید کرده است که شامل اقدامات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و پیشگیرانه می شود و نسبت به محیطهایی که فرد در آنها زندگی و کار می کنند اعمال می شوند (همان، ۱۳۸۳: ۵۷۰).

۲-۲-۱-۲- پیشگیری رشد مدار

پیشگیری رشد مدار سعی دارد تا در پیش بینی تدابیر مناسب و به کار بستن به موقع اقدامات حمایتی از پایداری رفتارها و گرایش های مجرمانه در افرادی که در سنین پایین و دوران کودکی دچار ناسازگاری، کجروی و بزهکاری زودرس شده اند جلوگیری نمایند. بدین معنا که هر قدر افراد زودتر از سن متعارف مرتکب بزه شوند به همان میزان احتمال استقرار بزهکاری در آنان بیش از دیگران است. از این رو با مداخله در رشد فرایند کودکان و تمرکز به روی عوامل فردی و اجتماعی که پیشرفت آمادگی مجرمانه کودکان و پایداری رفتارهای بزهکارانه در آنان تأثیر گذار است، می توان با جامعه پذیر کردن این افراد از تبدیل شدن آنها به بزهکار مزمن جلوگیری کرد. (زرگری، ۱۳۹۰: ۷۹)

۲-۲- پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی نخستین بار در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۷۰م توسط «اسکار نیومن» رواج یافت. وی کسی بود که اصطلاح «فضای قابل دفاع» را مطرح کرد، برای آن که نشان دهد جرم قابل پیشگیری است (همان: ۹۰). بعدها رونالد کلارک در سال ۱۹۹۲م پیشگیری وضعی را مطرح کرد که مشهورترین استراتژی و تکنیک‌ها را برای کاهش رویدادهای جنایی در آن جمع آوری کرد (سیگل، لاری جی، ۲۰۳: ۱۳۸۵). عمده تلاش پیشگیری وضعی آن است که از طریق کنترل محیط، فرصت و زمینه ارتکاب جرم را از بین ببرد.

در پیشگیری وضعی عامل انسانی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد که سعی دارد بطور غیر مستقیم در انتخاب و تصمیم‌گیری مجرمانه فرد تأثیر گذارد و او را از انجام بزه منصرف نماید.

عمده توجه در این نوع پیشگیری تأکید بر موقعیت و محیط (موقعیت مدار) است، به این معنا که نوعاً وقتی بزهکار قصد ارتکاب جرمی را دارد نوعی حسابگری و میزان خطر و ضرری که ناشی از عمل مجرمانه متوجه او خواهد شد را با خود می‌سنجد، لذا می‌توان با استفاده از شیوه‌های مختلفی عملاً شرایطی را ایجاد کرد تا خطر کردن و ارتکاب بزه یا امکان نداشته باشد یا نتیجتاً نفعی برای او نداشته باشد.

به‌طور کلی می‌توان گفت محور اصلی در پیشگیری وضعی تغییر در وضعیت فرد یا محیط است که از امکان ارتکاب جرم جلوگیری می‌کند.

تعاریف مختلفی درباره پیشگیری وضعی بیان شده که به عنوان نمونه به دو تعریف اشاره می‌شود:

کلارک، جرم‌شناس انگلیسی در مقدمه کتاب خود با عنوان «پیشگیری وضعی از بزهکاری: مطالعه موارد موفق» می‌گوید: «نظریه پیشگیری وضعی به یک

روش خاص اشاره دارد که هدف آن متعالی کردن جامعه و نهادهای آن نیست، بلکه بطور ساده بر کاهش دادن فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم تکیه دارد» (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۱).

در تعریف دیگر این‌طور آمده: «پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار با تسلط بر محیط و شرایط پیرامون جرم در صدد آن است تا از طریق کاهش جذابیت از آن وضعیت پیش‌جنایی، آمار را مهار کند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۱۴).

در نتیجه از تعاریف مذکور می‌توان گفت؛ در پیشگیری وضعی به‌دنبال دو نوع هدف و تدبیر هستیم:

دسته اول: تدابیری است که به‌دنبال سلب امکان تحقق فعل مجرمانه یا لاقط دشوار نمودن آن، مانند سخت کردن دسترسی به بزه دیدگان (بالقوه) و محافظت از آنها است.

دسته دوم: شیوه‌هایی که با هدف کاستن از جاذبه‌های مجرمانه و عوامل تحریک کننده موقعیتی، با هدف جلوگیری از عملی شدن تصمیم بزه توسط فرد، اتخاذ می‌شود (میر خلیلی، ۱۳۸۸: ۳۶).

۳- عناوین مرتبط با پیشگیری وضعی

۳-۱- فرصت

واژه فرصت به عدم دسترسی غالب افراد اجتماع به سیستم‌های مشروع و قانونی استفاده از فرصت‌ها و سهولت دسترسی به فرصت‌های مجرمان و غیر قانونی اشاره دارد. در حال حاضر در مباحث پیشگیری وضعی، بیشترین توجه در مورد فرصت‌هایی است که در اختیار مجرمان بوده و موجب انگیزه برای ارتکاب جرم از سوی آنان می‌شود. فرصت ارتکاب عمل به‌عنوان انگیزه و عامل محرکه است. این فرصت با میزان خطراتی که از سوی فرد ادراک می‌شود و نیز نتایج مورد انتظار و تجربه قبلی مرتکب در خصوص هزینه و نتیجه عمل به‌عنوان یک

موقعیت و هم به‌عنوان وسوسه‌ای برای ارتکاب جرم شناخته می‌شود(هاشم بیگی/جغفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷:۲۳۹). در پیشگیری وضعی رابطه مستقیمی میان فرصت(زماناً و مکاناً) و بزهکاری وجود دارد که نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق بزه و نرخ بزهکاری و بزه دیدگی دارد.

۲-۳- حالت خطرناک

اصطلاح «واژه خطرناک» نخستین بار توسط «گارو فالو» در علم جرم‌شناسی مطرح شد که اشاره به وضعیتی دارد که احتمال وقوع جرم از طرف آنان بیشتر است و با ارزیابی ظرفیت جنایی هر شخص و میزان انطباق او با زندگی اجتماعی تعیین می‌گردد. هدف از تشخیص حالت خطرناک و پی بردن به آن، کشف وسایل و راه‌های خنثی کردن آن می‌باشد(کی‌نیا، ۱۳۷۳: ۲۲/۱). در پیشگیری وضعی سعی بر این است تا به‌وسیله تدابیر مناسب، مانع عملی شدن تصمیم مرتکب مبنی بر انجام بزه شوند. بنابراین، حالت خطرناک به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد، قصد ارتکاب جرم دارد و مقدمات آن را نیز فراهم کرده اما وارد اقدامات عملی نشده و تصمیم خود را عملی نکرده است.

۳-۳- عبور از تصمیم به عمل

هدف اصلی پیشگیری وضعی این است که با بکارگیری شیوه‌های مختلف و مناسب از تبدیل شدن اندیشه‌کیفری به عمل جلوگیری نماید. در این روش‌ها تلاش می‌شود با از بین بردن زمینه‌ها و جاذبه‌های ارتکاب جرم، مانع ارتکاب بزه و یا حتی الامکان شرایط آن را دشوار یا غیر ممکن نماید.

۴-۳- شرایط و وضعیت قبل از بزهکاری

در پیشگیری وضعی تلاش بر این است که با توسل به تغییر وضعیت و شرایط، نرخ بزهکاری را کاهش دهد. اقدامات وضعی پیشگیرانه ناظر به اوضاع و احوال و شرایطی است که مجرم را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهد. این اوضاع

و احوال در جرم‌شناسی وضعیت‌های ماقبل بزهکاری یا وضعیت پیش‌جنایی نام دارند(همان، ۱۳۸۳: ۵۸۰). نقش این اوضاع و احوال تحریک و تسهیل‌کننده و ایجاد انگیزه در عملی کردن اندیشه مجرمانه است.

۴- مبانی پیشگیری وضعی

در بحث مبانی پیشگیری وضعی، محور اصلی اختیار و اراده انسان است. با پذیرش این مطلب که انسان(علی‌رغم تأثیر شرایط محیط) موجودی حسابگر است و در اعمال خود اختیار دارد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با تغییر اوضاع و شرایط می‌توان زمینه را برای تغییر در انتخاب وی ایجاد نمود. از سوی دیگر بسیاری از عواملی که باعث انگیزه ارتکاب بزه در مرتکب می‌شود خارج از اراده فرد است و می‌توان با تحت کنترل در آوردن اوضاع و شرایط، زمینه چنین انگیزه‌ای را از بین برد.

۴-۱- نظریه انتخاب عقلانی

از جمله کسانی که نظریه «انتخاب عقلانی» را به‌عنوان زمینه و مبنا برای پیشگیری وضعی مطرح نموده است آقای رونالد کلارک است. بر اساس این نظریه، ارتکاب بزه، ناشی از انتخابی است که مرتکب بعد از محاسبه نفع و ضرر عمل، آن را انجام می‌دهد. بر این اساس مبنا و تکیه این نظریه بر پایه نفع و ضرر احتمالی است که ناشی از عمل بوده و مورد محاسبه فرد قرار گرفته است.

۴-۲- نظریه فرصت

بر اساس این دیدگاه آنچه نقش اساسی در ارتکاب بزه دارد موقعیت و شرایط و به تعبیری فرصت‌هایی است که زمینه را برای ارتکاب جرم، برای مجرمان بالقوه بوجود می‌آورد. در نظریه فرصت، شرایط محیطی بیرونی، زمینه تحریک پذیری مجرمان و ایجاد انگیزه برای ارتکاب اجتماعی را ایجاد می‌کند، لذا بر اساس این رویکرد باید از طریق کنترل اجتماعی مانع ایجاد زمینه‌های جرم‌زا شد.

۴-۳- نظریه کنترل

این نظریه در پیشگیری وضعی بر کنترل بیرونی و فیزیکی مبتنی است. بر اساس این دیدگاه باید برای تنظیم رفتار افراد در جامعه نوعی کنترل اجتماعی وجود داشته باشد. بر اساس این توصیف اصطلاح نظریه کنترل به دیدگاهی باز می‌گردد که در مورد کنترل رفتار انسان بحث می‌کند. این نظریه شامل توصیفات بر پایه ژنتیک، شیمی، عصبی، بیولوژی اجتماعی شخصیت و طراحی محیط می‌شود» (ویلیامز، لین دی مک، ۱۳۸۳: ۱۹۹).

هدف کنترل در این نظریه، بیشتر اعمال محدودیت‌های بیرونی یا فیزیکی بوده تا فرد در نتیجه اجبار فیزیکی بالفعل و محدودیت‌های بیرونی به انجام رفتارهای مورد انتظار ملزم شود یا اینکه پیامدهای روانی ناشی از اعمال محدودیت‌های یاد شده او را به آن کار وادار کند.

بر اساس این نظریه ساختار نهادها و سازمان‌های اجتماعی و سازمان‌دهی روابط اجتماعی باید به سمتی حرکت کند که به لحاظ کنترل بیرونی اعم از رسمی و غیر رسمی امکان جامعه عمل پوشاندن به نیت مجرمانه و ظهور انگیزه‌های بزهکارانه در جامعه دشوار گردد (همان، ۱۳۸۸: ۵۸).

۴-۴- الگوی بی‌سازمانی اجتماعی

بر اساس این نظریه در نظام اجتماعی مناطق خاصی وجود دارد که به لحاظ شرایط اجتماعی از وضعیت نابسامانی برخوردار است. عمده جمعیت‌هایی که در این مناطق زندگی می‌کنند، بزهکاران، بیکاران، خانواده‌های بی سرپرست و مهاجران می‌باشند.

نظریه بی‌سازمانی از آن جهت به‌عنوان زمینه پیشگیری وضعی مطرح می‌شود که برخلاف اغلب دیدگاه‌ها، بر تأثیر نوع مکان بطور خاص و انواع متفاوت روابط -

همسایگی در ایجاد شرایط جرم و بزهکاری تمرکز دارد(عباسی؛ رحمانی، ۱۳۸۴:۱۱۹).

بطور کلی در بحث بی‌سازمانی اجتماعی نقش نهادهای دولتی و اجتماعی در کنترل بزه بسیار مهم و عمده است بطوری که اگر این ابزار کنترل قوی عمل کند و پیشگیری‌های وضعی لازم به عمل آید آمار بزهکاری کاهش می‌یابد، در غیر این صورت ممکن است این بی‌سازمانی و از هم پاشیدگی گسترش یافته و سایر جامعه را درگیر خود نماید.

۵- پیشگیری وضعی در سیاست کیفری اسلام

در سیاست جنایی اسلام بطور کلی سه روش برای برخورد با بزهکاری وجود دارد که هر یک مکمل یکدیگر است. این سه روش در سه مرحله طبقه بندی می‌شود: پیشگیری اجتماعی، پیشگیری وضعی، پیشگیری کیفری.

در مرحله اول سعی می‌شود با اقدامات مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از طریق فقرزدایی، ایجاد اشتغال و درونی کردن معارف دینی در راستای سالم-سازی جامعه اقدام شود تا اندیشه بزهکاری در ذهن کسی خطور نکند.

در مرحله دوم با توجه به اینکه تمام شرایط انجام بزه وجود دارد و فرد تصمیم قطعی بر عملی کردن فکر مجرمانه خود را دارد تدابیری اندیشیده می‌شود که شرایط تحقق بزه، غیرممکن یا حداقل دشوار شود.

در مرحله سوم که جرم تحقق یافته با مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مناسب سعی در پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط فرد و دیگران، می‌شود.

در آثار و منابع اسلامی می‌توان بحث پیشگیری وضعی را با عنوان «دفع المنکر» مورد مطالعه قرار داد که عمده مطالب درباره پیشگیری وضعی با عنوان یادشده در بحث امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده است. به‌عنوان نمونه به

چند تعریف از فقها در مورد پیشگیری وضعی با عنوان « دفع المنکر » اشاره می-کنیم:

آیت اله خویی می‌فرماید: معنای دفع منکر به معنای ناتوان کردن مرتکب از انجام عمل مجرمانه و ایجاد آن در خارج است چه با میل خود از عمل مجرمانه دست بردارد و یا از انجام آن منصرف نشود و حال آنکه نهی از منکر چیزی جز منع کردن و جلوگیری طبق مراتب معین شده در شرع نمی‌باشد (خویی، بی‌تا: ۱۸۱/۱).^۱ برخی از فقها برای پیشگیری از منکر و حرام در برخی ابواب مانند بیع به این نوع پیشگیری اشاره نموده اند:

شیخ انصاری در پیشگیری از منکر و بزه در باب بیع می‌گوید: ممکن است در مورد حرام بودن فروش کالا به کسی که آن را در راه حرام استفاده می‌کند این طور استدلال کرد که دفع و پیشگیری از منکر و حرام مانند رفع آن واجب است و این امر جز با ترک فروش کالا محقق نمی‌شود (انصاری، ۱۴۱۱: ۷۳/۱).

برخی از فقها پیشگیری وضعی را تکلیف عمومی دانسته و بیان داشته‌اند: اُن دفع المنکر واجب علی جمیع المکلفین و لیس من شرطه نیة القربة و اِن کانت شرطا فی حصول الثواب (عاملی کرکی، ۱۴۱۴: ۲۵۹/۶).

بحث پیشگیری وضعی در سیاست جنایی اسلام ریشه در آموزه‌های دینی و فقهی دارد. موضوعاتی چون امر به معروف و نهی از منکر، شهود بر معامله و ثبت کتبی آن، حجاب و تنظیم روابط اجتماعی زن و مرد، ازدواج، و... هم به نوعی در بحث سلامت نظام اجتماعی و پیشگیری از بزه نقش دارند. نکته مهمی که در پیشگیری وضعی مهم است سلسله مراتبی است که در آن باید رعایت شود. که بنابراین، زمانی این نوع پیشگیری اثر مطلوب را دارد که متناسب با شرایط زمانی و

^۱ «فان معنی دفع المنکر هو تعجیز فاعله عن الإتیان به و ایجاد فی الخارج سواء ارتدع عنه باختیاره أم لم یرتد، و النهی عن المنکر لیس إلا ردع الفاعل و زجره عنه علی مراتبه المقررة فی الشریعة المقدسة».

مکانی و حتی شرایط فردی باشد. فقهای اسلامی در عبارات خود به این نکته مهم اشاره کرده‌اند که حاکی از جامع بودن و کاربردی بودن سیاست جنایی اسلام است: در دفع منکر واجب در ابتدا با نشان دادن عدم رضایت قلبی و در مرتبه دیگر با دوری جستن از فرد و ترک رابطه و در مرحله بعدی اقدام عملی صورت گیرد (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۳۱۲/۱).^۱

اگر پیشگیری از منکر (جرم) مستلزم ورود به منزل یا تصرف در اموال مجرم مانند وسایل زندگی وی باشد این تصرفات در صورتی جایز است که جرم و منکر از آن دست اموری باشند که شارع به هیچ وجه راضی به ترک آن نمی‌باشد، (مانند قتل) در غیر این صورت رعایت سلسله مراتب لازم است (خمینی، ۱۴۲۵: ۴۸۰/۱). نکته دیگری که در سیاست جنایی اسلام در این نوع پیشگیری می‌توان به آن اشاره نمود مشارکت مردم و نهادهای اجتماعی است و یک تکلیف شرعی بر تمام افراد جامعه است که در دفع منکر و بزه مشارکت نمایند.

۶- اصول پیشگیری وضعی در سیاست جنایی اسلام

در آموزه‌های اسلام پیرامون پیشگیری از جرم از طریق اقدامات تأمینی و تربیتی تأکید ویژه‌ای شده است. موضوع پیشگیری از جرم را می‌توان به عنوان هدف اصلی پیامبران و اولیاء الهی دانست. زیرا مهم‌ترین هدفی که آنان در پی آن بودند ارشاد و راهنمایی مردم برای دوری از گناه در مفهوم عام خود می‌باشد که شامل جرم و بزه نیز می‌شود.

۶-۱- ضرورت توجه به دین در پیشگیری از جرم

دین به شرط این که براساس مقرراتی باشد که دین آن را بیان نموده است؛ نقش بسزایی در پیشگیری از جرم دارد، از این رو می‌توان مهم‌ترین کارکرد دین در

^۱ و يجب دفع المنکر بالقلب أولاً كما إذا عرف أن فاعله ينزجر بإظهار الكراهية وكذا إن عرف أن ذلك لا يكفي و عرف الاكتفاء بضرب من الإعراض والهجر وجب و اقتصر عليه.

بحث پیشگیری را در موارد ذیل خلاصه نمود: دین عامل شخصیت (هویت) بخشی به انسان است، دین سبب سالم سازی نظام اجتماعی از بزه می شود، دین بهترین عامل در کنترل اضطراب و معنا بخشی به زندگی است. به طور کلی می توان نتیجه گرفت چنانچه آموزه های دینی به صورت صحیح، بیان و به کار بسته شود، نقش مهمی در کاهش بزه و انحراف در جامعه دارد.

۶-۲- پیشگیری وظیفه عمومی

هر چند تأمین امنیت و برخورد با بزه و انحراف از وظایف اصلی حکومت است ولی دستیابی به این مهم یعنی داشتن جامعه سالم از پدیده مجرمانه و انحراف در گرو مشارکت عموم مردم است. در این مورد می توان به نهاد امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد. از این رو در اسلام تأکید فراوانی بر آن شده و سلامت حیات اجتماعی و به تبع آن زندگی اخروی را مبتنی بر عمل به این فریضه الهی دانسته شده است.

۷- محوره های پیشگیری وضعی

با توجه به اینکه هدف از پیشگیری وضعی ایجاد اوضاع و شرایطی است که علی رغم تصمیم قطعی بزهکار بر ارتکاب جرم او را از عملی کردن تصمیم ناتوان سازد، محور این نوع پیشگیری عبارتند از: بزهکار، بزه دیده، اوضاع احوال و محیط.

۷-۱- کنترل و نظارت بزهکار

بطور کلی نظارت و کنترل افراد در معرض بزه به دو روش اعمال می شود. روش اول اقدامات دولتی است که حکومت با توجه به اختیارات قانونی خود، اقداماتی را در زمینه کنترل افرادی که در آستانه ارتکاب بزه هستند بکار می گیرد. روش دوم نظارت عمومی است که در قالب نهادهایی مانند امر به معروف و نهی از منکر مورد توجه ویژه سیاست جنایی اسلام قرار دارد (میرخلیلی، ۱۳۸۳: ۶۲). قرآن

در مورد این نوع کنترل می‌فرماید: اگر خداوند بعضی از مردم را با بعضی دیگر باز نمی‌داشت فساد زمین را فرا می‌گرفت (بقره/۲۵۱). از جمله واقعیت‌هایی که در بحث پیشگیری باید پذیرفت آن است که همیشه برای جلوگیری از بزه یک روش، مفید واقع نمی‌شود و بر اساس نوع بزه، باید نوع پیشگیری را انتخاب کرد. یکی از این روش‌ها به کار بستن تدابیری است که قبل از تحقق بزه شرایطی را ایجاد نماید تا زمینه را برای ارتکاب جرم از بین ببرد.

۷-۱-۱- حسبه

یکی از نهادهایی که در سیاست جنایی اسلام در جهت پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری نقش بسزایی دارد و از مورد توجه اسلام بوده «حسبه» است. اگر چه ممکن است این نهاد در کشورهای اسلامی با عناوین دیگر (مانند: سازمان تعزیرات و ...) اجرا شود اما آنچه مهم است نقشه این کارکرد در کنترل بزهکاری است.

مهم‌ترین کارکرد حسبه، دفع تعرض به حق‌الناس در قالب نظارت بر سلامت کالا، نظارت بر خرید و فروش در بازار، جلوگیری از کلاهبرداری، جلوگیری از احتکار و نظارت بر نرخ‌ها و ترازو، می‌باشد. (القزوی، بی‌تا: ۷۵۱/۲) بنابراین هدف اصلی نهاد حسبه رعایت حقوق‌الناس و احکام‌الهی است.

۷-۱-۲- اقدامات تأمینی

اقدامات تأمینی در غالب موارد ناظر به مجرمانی است که حالت خطرناک دارند. «مجرمین خطرناک با توجه به شرایط روحی و وضعیت اجتماعی و سوابق کیفری شناسایی می‌شوند» (میر خلیلی، ۱۳۸۳: ۶۴). بنابراین نسبت به مجرمینی که سابقه کیفری ندارند با توجه به اقدامات تأمینی مناسب، محدودیت‌های لازم اعمال می‌شود تا از این طریق از وقوع جرم پیشگیری شود، اما در مورد مجرمینی که دارای سابقه کیفری می‌باشند در اینکه اقدامات تأمینی تا چه حدی اعمال شود، اکثر فقها بر این نظر هستند که باید در اعمال این اقدامات سلسله مراتب رعایت

شود و در اعمال اموری چون قتل و جرح اختلاف نظر است، و اکثر فقها آن را جایز ندانسته‌اند (خویی، بی‌تا: ۱۸۱/۱؛ حکیم، ۱۴۱۰: ۴۹۰/۱) شوکانی در مورد بزهکاران سابقه‌دار می‌گوید:

افرادی که اصرار بر بزهکاری دارند و به تعبیری مجرم به عادت شده‌اند و ارتکاب خلاف و اضرار به مردم رویه آنها شده است باید از جامعه دور نگه داشته شوند، زیرا آزاد بودن آنها باعث رنجش و اذیت مردم می‌شود. از سوی دیگر قتل این نوع افراد نیز بدون دلیل است، بنابراین یکی از راه‌های در امان ماندن مردم، حبس چنین افرادی است که از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است (۱۹۷۳: ۲۹۳/۹).

۷-۱-۳- نظارت و کنترل عمومی

یکی از نهادهای مهم که نقش بسزایی در پیشگیری دارد نظارت و کنترل عمومی است که در اسلام از آن با عنوان امر به معروف و نهی از منکر یاد می‌شود و از جمله وظایف هر مسلمانی است که یکدیگر را از منکر نهی و نسبت به معروف تشویق کند. در فقه گاهی از این نهاد به‌عنوان «دفاع همگانی یا دفاع اجتماعی» در مقابل دفاع مشروع یاد می‌شود (فیض، ۱۳۷۰: ۲۸). در مورد اهمیت امر به معروف و نهی از منکر پیامبر اسلام ﷺ می‌فرمایند: «اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ترک شود به جای افراد صالح، افراد فاسق و شرور بر شما مسلط می‌شوند در آن هنگام خوبان و صالحان دعا می‌کنند اما دعایشان مستجاب نمی‌شود.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۷۴/۱۱)

۷-۲- پیشگیری وضعی و بزه دیده

یکی از مباحث مهم در جرم‌شناسی و سیاست جنایی رابطه بزه دیده و پدیده مجرمانه است. در سیاست جنایی اسلام در حمایت از بزه دیده در مقابل جرم تأکید فراوانی شده است که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۷-۲-۱- مقابله با ظلم و بزه

در برخی موارد نوع رفتار بزه‌دیده در تحقق بزه‌کاری سهم بسزایی دارد لذا در اسلام توصیه فراوانی در مقابله با ستم و ظلم شده و قبول ستم و سلطه ظالم را مورد نکوهش قرار داده است. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: (لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ) نه به دیگران ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید (بقره/۲۹۷).

۷-۲-۲- تدابیر قانونی در حمایت از بزه دیده

یکی از روش‌هایی که می‌توان بوسیله آن از وقوع جرم جلوگیری کرد استفاده از حمایت‌های قانونی و قضایی از بزه دیدگان است. بطور نمونه می‌توان به دفاع مشروع در هنگام تعرض از سوی مجرمین، بالا بردن آگاهی افراد مبنی بر این که خود را در معرض خطر و پدیده مجرمانه قرار ندهند. بطور مثال، اسلام در جرایم جنسی تأکید بر پوشش مناسب و حجاب و ارتباط محدود و دارای ضابطه با نا محرم دارد تا زنان از این طریق دچار آسیب نشوند (احزاب/۵۸).

۷-۳- محیط و بزه‌کاری

سومین محور در بحث پیشگیری وضعی، شرایط و اوضاعی است که زمینه را برای ارتکاب جرم فراهم می‌کند. در این مورد می‌توان به برخی تدابیر اشاره نمود تا مانع تحقق جرم یا حداقل سبب دشواری ارتکاب بزه شود.

۷-۳-۱- از بین بردن وسیله ارتکاب جرم

در برخی موارد ارتکاب جرم مستلزم ابزار خاصی است که با محدود کردن و قانونمند کردن ابزارها مانع تحقق جرم شد. نمونه این رویکرد را می‌توان در کتب فقهی مشاهده کرد که داشتن و ساختن برخی از ابزارها ممنوع و حرام دانسته شده و برخورد قانونی با عاملان آن شده و از سوی دیگر از بین بردن این ابزار نیز

مستلزم هیچ مسئولیت حقوق کیفری نخواهد بود (انصاری، ۱۴۱۱: ۶۰/۱؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۲۳۰).

۷-۳-۲- نظارت بر مکان های جرم خیز

یکی از تدابیری که می توان در جهت پیشگیری از جرم به کار بست، تحت کنترل قرار دادن مکان هایی است که زمینه ارتکاب جرم در آن بالا است. امام صادق علیه السلام در این مورد می فرماید: «شایسته نیست بنده مؤمن در جلسه ای شرکت کند که در آن گناه و معصیت خداوند وجود دارد در حالی که توانایی تغییر آن وضعیت را ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۷۴/۲).

۷-۳-۳- اجتناب از در معرض جرم قرار گرفتن

یکی از عواملی که سبب تحریک مجرم برای ارتکاب جرم می شود نحوه عملکرد بزه دیده می باشد. بطور مثال برای جلوگیری از سرقت توصیه شده نکات ایمنی رعایت شود و اموال خود را در مکان مناسب قرار بدهند و یا از حمل پول نقد خودداری شود و از کارت های اعتباری استفاده شود. یا در انجام معاملات آن را مکتوب نمایند و شاهد بگیرند. همه این موارد بر این اشاره دارد که برای جلوگیری از آماج جرم قرار گرفتن با رعایت احتیاط و نکات امنیتی، خود راه ارتکاب بزه را ببندیم.

۸- روش های پیشگیری وضعی

در طی تحولاتی که در پیشگیری وضعی به وجود آمده، می توان به سه روش عمده که توسط کلارک، جرم شناس مشهور انگلیسی پایه ریزی شده اشاره نمود:

۸-۱- افزایش اقدامات لازم برای جلوگیری از ارتکاب جرم

در این روش سعی بر این است که میزان تلاش ها و اقدامات لازم برای ارتکاب جرم توسط مجرم را تحت تأثیر قرار دهد. روش های حمایت و حفاظت از

آماجها، سعی دارد با ایجاد موانع فیزیکی سبب محدود شدن مجرمین بالقوه را فراهم نماید. قفل کردن دربها، نصب دزدگیر، نصب حفاظ منزل، نمونه‌هایی از محفوظ ماندن از وقوع جرم می‌باشد.

اقدامات مربوط به «کنترل دسترسی»، ورود مجرمین بالقوه را به محیط‌های فیزیکی و مادی دشوار می‌کند. بطور مثال طراحی رمز عبور در عملیات‌های بانکی از جمله روش‌هایی است که موجب محدودیت دسترسی مجرمان به اطلاعات محرمانه کاربران در فضای مجازی می‌شود.

برخی روش‌ها در این رویکرد سعی در دور کردن مجرمان بالقوه دارد بدین شکل که از مواجه شدن این نوع از مجرمان با موقعیت یا فرصت ارتکاب بزه جلوگیری می‌شود. بطور مثال طراحی ورزشگاه‌ها به نحوی که طرفداران تیم‌ها در موقعیتی جدا از یکدیگر قرار بگیرند تا زمینه برای اغتشاش بوجود نیاید. یا اختصاص دادن مکان ویژه برای زنان در ورزشگاه‌ها از جمله این اقدامات است.

۸-۲- جلوگیری از افزایش خطر ارتکاب جرم

دسته دیگر از روش‌های پیشگیری وضعی به‌منظور ریسک‌پذیری بالا برای ارتکاب جرم طراحی شده‌اند. بطور نمونه کنترل ورود و خروج در مکان‌های عمومی و حساس، درج بارکد بروی کالاها، استخدام نیروهای حفاظتی در بانکها و فروشگاهها، کنترل ابزارهایی که موجب تسهیل در ارتکاب جرم می‌شود و ایجاد مانع بین مجرمان و بزه دیده بالقوه از طریق وضع قوانین خاص در این موارد. مثلاً تعیین زمان مشخص رفت و آمد در مکان‌های حساس، تعیین ساعات کاری برای فروشگاهها و گشت پلیس به‌صورت متناوب در سطح شهر، بخشی از روش‌هایی است که می‌توان در جهت افزایش خطر ارتکاب جرم به‌کار گرفت.

۳-۸- کاهش جاذبه آماج‌ها

این روش در پیشگیری وضعی مبتنی بر کاهش منافع حاصل از ارتکاب جرم است. حذف آماج‌ها، سود حاصله از جرم را از دسترس مجرمین بالقوه دور نگه می‌دارد. به‌طور مثال ارائه بلیط به‌جای پول نقد در پرداخت هزینه‌های حمل و نقل، استفاده از کارت بانکی از جمله روش‌هایی است می‌توان زمینه و جاذبه ارتکاب بزه را کاهش داد (رزنیام، لوریسیو، داویس: ۱۵۲).

۹- اهداف پیشگیری وضعی

به‌طور کلی در پیشگیری وضعی سعی می‌شود با بکارگیری تدابیر و روش‌های مختلف و مناسب به دو هدف مهم دست یافت، یکی؛ غیر ممکن کردن ارتکاب جرم و دیگری جلوگیری از انگیزه‌های ارتکاب جرم است.

۹-۱- غیر ممکن نمودن یا دشوار نمودن ارتکاب جرم

اصلی‌ترین هدف پیشگیری وضعی در درجه اول بکار بستن شیوه‌هایی است که علی‌رغم انگیزه و قصد مجرمانه مجرم او را از ارتکاب بزه منصرف نماید. در این راهبرد سعی می‌شود با تغییر وضعیت و فرصت، وی را از عملی کردن اندیشه مجرمانه‌اش ناتوان سازند. از جمله این اقدامات می‌توان به کار گذاشتن دوربین‌های مداربسته در محوطه‌های اجتماعی، محدود کردن دسترسی به سلاح‌های سرد و گرم، بالا بردن معلومات شهروندان از طریق آموزش‌های مناسب در امور امنیتی و... اشاره نمود. در سیستم سیاست جنایی اسلام نیز اولین هدف از دفع منکر و جرم، ناتوان کردن است چنانچه قبلاً نیز به آن اشاره شد.

۹-۲- جلوگیری از زمینه‌های انگیزه مجرمانه

در برخی از شیوه‌های پیشگیری وضعی این هدف دنبال می‌شود تا زمینه‌های انگیزه بزه کم‌رنگ یا نابود شود. به‌طور مثال اگر توصیه به حجاب در فضای

عمومی اجتماع می شود، رعایت ایمنی وسایل نقلیه و نگهداری اشیای گران قیمت و پول نقد در دفاتر امانات، بخشی از اقداماتی است که می تواند انگیزه ارتکاب بزه را از بین برده یا کمرنگ کند. البته باید به نکته مهم اشاره نمود که مؤثر واقع شدن این دست اقدامات از یکسو، بسته به تناسب آن با واقعیت های حاکم در جامعه هدف دارد و از سوی دیگر بسته به نوع نگرشی که مجرمین بالقوه از تغییرات صورت گرفته تلقی می کنند دارد.

نتیجه گیری

هدف از پیشگیری وضعی ایجاد اوضاع و شرایطی است که علی رغم تصمیم قطعی بزهکار بر ارتکاب جرم او را از عملی کردن تصمیمش ناتوان سازد. برای متناسب شدن پاسخ کیفری با پدیده جنایی و اثرگذاری مطلوب باید از هر دو نوع پیشگیری یعنی پیشگیری کیفری و غیرکیفری استفاده نمود. مبنای پیشگیری وضعی در سیاست جنایی اسلام دفع و پیشگیری از بزه از طرق مشروع شرعی البته با رعایت سلسله مراتب می باشد. بنابراین تا زمانی که از طریق توصیه و سرزنش کلامی و موعظه امکان بازدارندگی وجود داشته باشد به همان اکتفا می شود. از جمله تدابیری که در پیشگیری وضعی از جرم نقش مهمی دارد و اختصاص به سیاست جنایی اسلام است نقش باورهای دینی مانند معاد است و نهاد امر به معروف و نهی از منکر می باشد.

کتابنامه

۱. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۱)، *المکاسب المحرمة و البیع و الخیارات*، چاپ اول، دار الذخیر، قم.
۲. آقایی، حسین، (۱۳۸۱)، «پیشگیری عمومی از بزهکاری مانعی برای جرم زدایی»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴.
۳. حسینی، سید محمد، (۱۳۷۶)، «سیاست جنایی (مفاهیم و مدلها)»،

مجله کانون وکلا، شماره ۱۱.

۴. حکیم، سید محسن طباطبایی، (۱۴۱۰)، منهاج الصالحین (المحشی لل حکیم)، چاپ اول، دار التعارف للمطبوعات، بیروت - لبنان.
۵. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
۶. خمینی، سید روح الله موسوی، (۱۴۲۵) تحریر الوسیلة، جلد ۲، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم.
۷. خویی، سید ابوالقاسم، (بی تا)، مصباح الفقاهه، داوری، قم.
۸. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، (۱۴۱۱) المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط - القديمة)، جلد ۳، چاپ اول، منشورات دار الذخائر، قم.
۹. دلماس مارتی، (۱۳۹۳) نظام های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، میزان، تهران.
۱۰. رزنام، دنیس، لوریسیو، آرتور، داویس، روبرت، (۱۳۷۹) «پیشگیری وضعی از جرم»، ترجمه رضا پرویزی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۲.
۱۱. زرگری، سید مهدی، (۱۳۹۰)، پیشگیری از جرم، نگاه بینه، تهران.
۱۲. سیگل، لاری جی، (۱۳۸۵)، جرم شناسی، ترجمه یاشار سیف الهی، انتشارات تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا، تهران.
۱۳. شاکری، ابوالحسن، (۱۳۸۲)، قوه قضائیه و پیشگیری از جرم، انتشارات قوه قضائیه، تهران.
۱۴. شوکانی، محمد بن علی، (۱۹۷۳)، نیل الاوطار من احادیث سید

- الایخار(شرح منتق الاخبار)، دارالجلیل، بیروت.
۱۵. صفاری، علی، (۱۳۸۰)، «مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۴-۳۳، شهید بهشتی.
۱۶. عاملی کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، (۱۴۱۴)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۱۳ جلد، چاپ دوم، مؤسسه آل البیت، قم.
۱۷. عباسی، علی اصغر، رحمانی علی، (۱۳۸۴)، «محلها و روابط همسایگی مکانیسمی ساختاری در ایجاد جرم»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، شماره ۳.
۱۸. فیض، علیرضا، (۱۳۷۰)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران.
۱۹. قزوینی، محمد بن یزید، (بی تا)، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت.
۲۰. کی نیا، مهدی، (۱۳۷۳)، جرم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷)، الکافی، ۸ جلد، چاپ چهارم، دار الکتب الإسلامیة - تهران.
۲۲. گسن، ریمون، (۱۳۷۰)، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، علامه طباطبایی، تهران.
۲۳. لازرژ، کریستین، (۱۳۸۲)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی-حسین نجفی ابرندآبادی، یلدا، تهران.
۲۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۴)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ جلد، چاپ دوم، دار الکتب الإسلامیة - تهران.
۲۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار الجامعة لدرر

أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱ جلد، چاپ دوم، دار إحياء التراث العربی - بیروت.

۲۶. معین، محمد، (۱۳۸۴)، فرهنگ معین، چاپ سوم، ادنا، تهران.

۲۷. میر خلیلی، سید محمود، (۱۳۸۳)، «پیشگیری وضعی از نگاه آموزه‌های اسلام»، فقه و حقوق، شماره ۱.

۲۸. میر خلیلی، سید محمود، (۱۳۸۸)، پیشگیری وضعی از بزهکاری (با نگاهی به سیاست جنایی اسلام)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.

۲۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۵)، «بزهکاری و پلیس محلی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۰-۱۹.

۳۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۸)، «بزهکاری و پلیس محلی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵.

۳۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۳)، پیشگیری عادلانه از جرم (علوم جنایی)، مجموعه مقالات، سمت، تهران.

۳۲. نجفی، کاشف الغطاء، علی بن جعفر بن خضر، (۱۴۲۲)، شرح خيارات للمعة، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

۳۳. نوربها، رضا، (۱۳۷۸)، «سیاست جنایی سرگردان»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، شماره ۲۶-۲۵.

۳۴. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۲۸ جلد، چاپ اول، مؤسسة آل البيت قم.

۳۵. نیازپور، امیرحسین، (۱۳۸۳)، «حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران»،

مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۹-۴۸.

۳۶. ویلیامز، فرانک پی و مک شین، ماری لین دی، (۱۳۸۳)، نظریه‌های

جرم‌شناسی، ترجمه حمید رضا ملک محمدی، میزان، تهران.

۳۷. هاشم بیگی، حمید؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۷)، دانشنامه

جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران